



## مقررات آیین دادرسی در سوئد



در ملاقاتی که دادستان کل کشور سوئد با جناب آقای فلاح رستگار دادستان کل کشور در کاخ دادگستری بعمل آورده است وعده داده بوده که مقررات مربوط به آیین دادرسی کیفری سوئد و همچنین چگونگی تحقیقات کیفری در قانون سوئد را برای ایشان ارسال دارد. بعد از مراجعت به کشور خود خلاصه‌ای از آیین دادرسی کیفری و تحقیقات کیفری را در قانون سوئد برای دادستان کل ارسال نموده است و اینک در اینجا ترجمه آنها برای استفاده قضات و وکلای دادگستری درج و از جناب آقای فلاح رستگار که اصل آنها برای درج در مجله کانون مرحمت فرموده‌اند تشکر میشود.

### دادگاهها

سازمان دادگاهها در کشور سوئد سه طبقه‌ایست و این روش در مورد دادگاههای کیفری نیز صادق است. طبقه اول نادون طبقه دوم و طبقه سوم مافوق طبقه دوم قرار دارد. در طبقه اول یا پایین‌ترین طبقات دادگاه شهرستان یا بدایت

\* تذکر مترجم - Klas Lithner نویسنده مقاله دادستان یکی از ایالات سوئد و از صاحب‌نظران قضائی آنکشور است. در کشور سوئد همانطور که از محتویات مقاله هم استنباط میشود وظایف بازپرس و دادیار از یکدیگر جدا نیست و لفظ دادستان را ما در برابر کلمه Prosecutor که بمعنی مأمور تحقیق قضائی است آورده‌ایم و باید دقت شود که اصطلاحات حقوقی این مقاله با مفاهیم قضائی ما در ایران مقایسه نشود تا در استنباط مطالب اشکالی پیش نیاید.

قرار گرفته و مقر آن شهرهای متوسط و بزرگ است. در همین طبقه دادگاههای بخش یا ناحیه‌ای را (District Courts) برای سایر نقاط کشور باید نام برد که تعدادشان کلاً از ۱۵۰ متجاوز است.

در طبقه دوم شش دادگاه استیفاف در سراسر کشور وجود دارد و دیوانعالی (کشور) در رأس همه دادگاهها در طبقه سوم - در شهر استکهلم مستقر می‌باشد.

### دادستانها (قضات تعقیب)

روش سه طبقه‌ای مذکور در بالا در مورد ادارات دادسرا نیز صادق است. اداره دادستانی محلی پائین‌ترین طبقه را تشکیل میدهد. تعداد اعضای هر یک از این ادارات با توجه به وسعت حوزه قضائی آنها بین دو تا پنجاه نفر است و جوابگوی احتیاجات دو تا سه دادگاه هدایت می‌باشد.

در طبقه دوم دادستانهای ایالتی قرار دارند که معمولاً در هر ایالت یکی از آنها به‌کار مشغول است و وظیفه او علاوه بر انجام برخی امور اداری و تعقیب جرائم سنگین و پیچیده عبارت است از راهنمایی و هدایت دادستانهای محلی (هدایت) حوزه خود و نظارت در انجام وظایف آنها. برخی از این دادستانها معاون هم دارند.

در طبقه سوم یا بالاترین طبقات دادستان کل کشور و دادستان دیوانعالی کشور قرار گرفته است این مقام در رأس کلیه تشکیلات مورد بحث می‌باشد. نامبرده یک معاون و دو نفر دادیار برای تعقیب پرونده‌های کیفری مطروحه در دیوانعالی و سه نفر دادیار جهت هدایت و راهنمایی و نظارت در امور دادستانهای استانها در اختیار دارد و علاوه بر این دستیاران قضایی پنج نفر کارمند اداری نیز او را در امور اداری خود معاونت می‌کنند.

### مقام و تعلیمات دادستانها

دادستانهای طبقه پائین وسیله دادستان کل و دادستانهای طبقه بالا از طرف مقام سلطنت منصوب می‌شوند و کلیه آنها در موقعیت کارمندان کشوری دولت قرار دارند. ولکن برکنار ساختن آنها موقعی امکان دارد که به‌موجب حکم یک دادگاه به ارتکاب یک جرم سنگین محکومیت یافته باشند.

برای احراز مقام مورد بحث دارا بودن مدرک تحصیلی خاصی در رشته حقوق ضروری است. این مدرک ارزشی بیش از درجه لیسانس حقوق دارد و معادل فوق-لیسانس است. علاوه بر مدرک نامبرده کارآموزی در یکی از دادگاههای شهرستان یا بخش به عنوان منشی دادگاه به مدت دو سال و نیم برای تصدی این مقام لازم است. در اواخر این مدت این منشی‌ها به‌کار قضات در امور جزئی نیز می‌پردازند و وظایف دادستانی را در ادارات دادستانی محلی فرا می‌گیرند و در معیت اداره آگاهی یکی از شهرهای متوسط یا بزرگ به آموزش کارهای پلیسی در امر تفتیش جرائم می-

پردازند. و سرانجام در يك كلاس چهارماهه كه از طرف دادستان كل در شهر استكلم تشكیل می‌شود شركت می‌ورزند و برای تصدی مقام دادستانی آماده می‌گردند.

مقام دادستانی معمولاً يك مقام عمرانه است و كمتر ممكن است کسی از این مقام به مشاغل قضائی دیگر منتقل گردد و تغییر شغل افراد از دادستانی به قضاوت در محكمه غیر ممكن است و فقط در مورد دادستان كل و دو معاون او این عمل انجام می‌گیرد زیرا این سه مقام را معمولاً از بین قضات استیناف انتخاب می‌کنند و انتقال این افراد به مقامات قضائی قبلی یا بالاتر مانعی ندارد. دادستانها با وکلای مدافع نیز هرگز نمیتوانند تعویض گردند یعنی تبدیل یکی به دیگری غیر ممكن است. قبل از تغییر تشکیلات و ایجاد تمرکز در سال ۱۹۶۵ مشاغل دادستان محلی و رئیس پلیس در نواحی روستایی و شهرهای كوچك یکی بود و هم‌اکنون نیز بین این مقامات روابط شخصی و حرفه‌ای متعددی موجود است و در سالهای آینده بین اعضای جوان این دو شغل تعویض‌هایی صورت خواهد گرفت.

### تحقیقات کیفری

به محض اینکه دلایلی بوقوع بزه به دست آید کار تحقیقات کیفری آغاز می‌گردد. تحقیقات بر اساس مجموعه مقررات آیین دادرسی کیفری به عمل می‌آید. در تحقیقات مقدماتی از هرکس که در مظان ارتکاب جرم قرار بگیرد تحقیق می‌شود مشروط به اینکه زمینه‌های کافی برای چنین سوءظنی موجود باشد زیرا پرونده امر باید به نحوی تنظیم گردد که شواهد جمع‌آوری شده را بتوان در دادگاه ارائه نمود (ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی کیفری).

تحقیقات مقدماتی را هم پلیس و هم دادستان می‌تواند آغاز نماید اگر موضوع جرم سنگین باشد به محض اینکه فردی در معرض اتهام قرار بگیرد رهبری تحقیقات و مسؤلیت هدایت کار و امر صدور دستورات به عهده دادستان محول می‌شود و در مواردی که جرم یا اتهام ساده باشد باز هم در صورت وجود علل خاص دادستان هدایت تحقیقات را به عهده می‌گیرد. منظور از اتهام یا جرم ساده جرائمی از قبیل کتک‌کاری، دزدی، ایراد خسارت با سوءنیت، مستی و جرائم رانندگی است.

### رهبری تحقیقات

مفهوم رهبری تحقیقات با توجه به مشخصات دادستان و کارآگاه و شدت و ضعف جرم و سایر عوامل در مورد پرونده‌های مختلف فرق می‌کند. در مورد تعدادی از جرائم رهبری دادستان حتی اگر رسماً مسئول تعقیب آنها باشد مثل سرقت لزومی ندارد در حالیکه برای جرائم عمده یا سنگین راهنمایی او شدت بیشتری می‌یابد و ممكن است مستلزم تشكیل کنفرانسهای روزانه با کارآگاهان مربوطه برای

رهبری موضوع باشد.

### از چه کسانی بازجوئی می‌شود؟

هنگام تحقیقات مقدماتی پلیس می‌تواند از هرکس که در مورد جرم حرفی برای گفتن داشته باشد تحقیق به عمل آورد (ماده ۶-۲۳ ق. ا. د. ک.). شاهد را قانوناً بیش از ۶ ساعت نمی‌توان برای ادای شهادت نگهداشت و این مدت درباره کسانی که به‌عنوان متهم احضار می‌شوند نباید از ۱۲ ساعت تجاوز نماید (۹-۲۳ ق. ا. د. ک.).

به‌محض اینکه زمینه‌های معقول مبنی بر سوءظن علیه‌کسی فراهم شود پلیس مأمور تحقیق باید شخص مذکور را هنگام بازجوئی از موضوع سوءظن و اینکه او حق دارد از وکیل مدافع استفاده کند آگاه نماید (۱۸-۲۳ ق. ا. د. ک) ولی مأمورین موظف نیستند به‌متهم بگویند که او حق دارد در تمام مراحل تحقیق و دادرسی سکوت اختیار کند. اگر متهم سکوت را ترجیح بدهد (که به‌ندرت اتفاق می‌افتد) دادستان می‌تواند هنگام محاکمه باین امر استناد کند و آن را از دلائل اتهام بخواند و دادگاه نیز می‌تواند آن را به‌عنوان قسمتی از قرائن جرم مورد بررسی و ملاحظه قرار دهد. هرگاه مظنون هنگام تحقیقات سخن بگوید و در جریان محاکمه سکوت اختیار نماید و یا داستان را عوض کند اظهارات اولیه او را می‌توان بعنوان دلیل تقدیم دادگاه نمود. (۸-۴۶).

متهم می‌تواند هنگام تحقیق از وکیل مدافع خود کمک بگیرد ولی تصمیم‌نهایی به‌اینکه وکیل مدافع هنگام بازپرسی حضور بهم‌رساند یا نه باشخص دادستان است (۱۰-۲۳).

دادستان علاوه بر جمع‌آوری دلائل جرم دلائل بی‌گناهی متهم را نیز جمع می‌نماید. اگر دادستان تقاضای متهم را برای تحقیق اضافی رد کند باید دلائل امتناع خود را کتباً به‌متهم و وکیل او اعلام دارد و متهم می‌تواند برای اجبار دادستان به‌انجام تحقیقات مورد نظر خود به‌دادگاه شکایت کند (۱۹-۲۳). دادستان به‌هر حال در اکثریت قریب به‌اتفاق موارد اجازه تحقیقات اضافی مورد درخواست متهم را صادر مینماید تا در جلسه محاکمه در برابر سؤال غیرمترقبه مربوط به‌رد تقاضا قرار نگیرد. وقتی که تحقیقات کامل شد و چنین بنظر رسید که پرونده آماده طرح در محکمه می‌باشد دادستان وظیفه دارد که به‌متهم و وکیل او اجازه دهد که پرونده را کلاً قرائت نمایند و باید به‌آنها تذکر دهد که می‌توانند در صورت لزوم انجام اقدامات اضافی دیگری را درخواست نمایند (۱۸-۲۳) و متهم حق دارد که نسخه‌ای از گزارش کامل تحقیقات را مجاناً دریافت نماید و این نسخه معمولاً به‌محض تهیه برای متهم فرستاده می‌شود (۲۱-۲۳).

## دستگیری و بازداشت

فرد مظنون را پلیس یا هرکس دیگر در صورتی که دلایل توقیف که ذیل ماده ۲۴-۷ قانون آیین دادرسی کیفری درج شده وجود داشته باشد می‌تواند دستگیر نماید.<sup>۱</sup> به محض اینکه توقیف به عمل آمد افسر مربوط موظف است مراتب را به دادستان اطلاع دهد و اما اگر این تصور برود که شخص دستگیر شده بعد از تحقیق آزاد خواهد شد اطلاع مذکور لزومی نخواهد داشت.

دادستان موظف است به محض وصول اطلاع تصمیم به بازداشت یا آزاد کردن متهم اتخاذ نماید (۲۴-۷).

زمینه قضایی که دادستان دستورات خود را مبنی بر بازداشت متهم بر آن استوار می‌کند این است که متهم طبق شواهد محتمل (که از شواهد عقلی بالاتر است) مرتکب جرمی شده که مجازات آن حداقل یکسال زندان خواهد بود و یا اینکه موارد زیر صادق باشد:

- ۱- متهم ممکن است متواری شود یا خودکشی نماید.
- ۲- متهم ممکن است مسیر تحقیقات را از طریق امحاء آثار جرم منحرف سازد.
- ۳- متهم ممکن است به ارتکاب جرم ادامه دهد.
- ۴- دلایل خاصی وجود داشته باشد به اینک متهم برای ادامه تحقیقات از آزادی محروم شود (۱-۲۴).

دادستان مکلف است بعد از وصول اطلاع در اسرع وقت که به هر حال مدت آن بیش از یک روز بعد از وصول اطلاع نخواهد بود راجع به بازداشت یا آزادی متهم تصمیم بگیرد. روش سوئد با آنچه که در کشورهای انگلیس، دانمارک یا نروژ وجود دارد به اینک متهم را بلافاصله بعد از دستگیری نزد مأمورین قضائی اعزام نمایند منطبق نیست و قرار قضائی معروف انگلیسی‌ها (Habeas Corpus)<sup>۲</sup> نیز در قانون سوئد وجود ندارد. قواعد حاکم در کشور سوئد مصرح است به اینک دادستان در مورد بازداشت یا آزادی متهم باید ظرف یکروز اتخاذ تصمیم نماید و در موارد مخصوص که تحقیقات بیشتری ضرورت دارد دادستان می‌تواند تصمیم خود را تا پنج روز به تأخیر بیندازد.

در مطالعه یکصد پرونده وسیله نویسنده در ناحیه گوتنبرگ در سال ۱۹۶۰ این نتیجه بدست آمد که حد متوسط زمان دستگیری متهم تا اتخاذ تصمیم دادستان فقط شش ساعت بوده است. دادستان در تقاضای خود به دادگاه به نحو مختصر از

---

(۱) دستگیری مجرم وسیله مردم عادی در ممالک شمالی اروپا نباید عجیب جلوه کند زیرا در گذشته همه مردم وظیفه پلیس را انجام می‌داده‌اند و کلمه پلیس خود گویای همین مفهوم است و هم اکنون در ممالک انگلوساکسن اگر اشخاص درخواست پلیس را برای کمک رد کنند مرتکب جرم شده و قابل مجازات هستند. مترجم

(۲) برای آشناسدن با این قرار به مقاله «قرارهای قضایی» نوشته مترجم این مقاله منتشره در مجله حقوقی وزارت دادگستری شماره ۲ سال ۱۳۵۲ مراجعه شود.

شخص متهم و نوع بزه و زمینه‌های اتهام سخن می‌گوید ولی موظف است که همراه تقاضا یا در فاصله معقولی بعد از آن گزارش تحقیقات مقدماتی را نیز به دادگاه بفرستد.

جلسه مربوط به استماع شکایت متهم از توقیف خود علنی است مگر اینکه متهم تقاضای سری بودن آن را به عمل آورد و یا اینکه به تقاضای دادستان، دادگاه به این نتیجه برسد که علنی بودن جلسه مغل تحقیقات بعدی خواهد بود. دادگاه در این موقعیت به تصدی یک نفر قاضی تشکیل می‌شود. دادگاه می‌تواند در این موارد فوراً تصمیم بگیرد یا مدتی را برای اتخاذ تصمیم معین کند. تصمیم شفاهاً و با حضور طرفین اعلام می‌شود. وقت اینگونه دادرسی‌ها معمولاً نیم‌ساعت است ولی ممکن است در چند دقیقه کار خاتمه پیدا کند و یا چند ساعت به طول انجامد.

در صورتی که دادستان در فاصله دستور بازداشت و جلسه رسیدگی به شکایت متهم احراراز کند که علل بازداشت منتفی شده موظف است فوراً دستور آزادی متهم را صادر نماید (۱۰-۲۴).

هرگاه دادگاه راجع به شکایت متهم در مورد بازداشت خود رأی صادر نمود موظف است تاریخ را نیز که از دو هفته تجاوز ننماید معین کند که ظرف آن مدت تحقیقات از متهم خاتمه پذیرد. آمار نشان میدهد که تحقیقات در ۲۵ درصد پرونده‌ها ظرف یک‌هفته و در ۵۰ درصد آنها ظرف دو هفته به پایان میرسد. دادگاه می‌تواند در صورت لزوم به تقاضای دادستان مدت معین شده را تا دو بار تمدید نماید پذیرش این استمهال معمولاً مستلزم تشکیل جلسه دادگاه است. اعطای مدت اضافی به دادستان برای تکمیل تحقیقات در موارد بخصوص به بیش از مدت‌های مذکور نیز امکان‌پذیر است.

در آیین دادرسی کیفری سوئد برخلاف آنچه که در امریکا معمول است دادن اطلاعات ناصحیح - قول کمک و مساعدت از طرف مأمورین به متهم یا تهدید و اجبار او هنگام تحقیق با تشکیل جلسات طولانی استنطاق یا اقدامات ناصواب دیگر وجود ندارد (۱۲-۲۳).

### وکالت در دفاع

هر متهم حق دارد وسیله وکیل مدافع از خود دفاع کند. اکثر متهمین یا مدعی‌علیهام امکان استفاده از وکیل تسخیری را پیدا می‌کنند. این امر شامل مواردی است که متهم توقیف یا بازداشت می‌شود و یا اینکه اوضاع و احوال او حکایت می‌کند که به‌عللی نمی‌تواند از خود دفاع کند. علل مذکور ممکن است مربوط به شرایط معنوی متهم باشد از قبیل جوان بودن یا خارجی بودن او و یا نوع جرم و احتمال مجازات. وضع مالی متهم در این موارد در نظر گرفته نمی‌شود. طبق روش بالا دادگاه از بین وکلای دعاوی که عضو کانون وکلای سوئد



هستند یکنفر را برای دفاع از متهم معین می‌کند و البته وکیل مذکور معمولاً از بین وکلایی که وابسته به همان دادگاه هستند تعیین می‌شود و اگر متهم وکیل معینی را تقاضا نماید دادگاه همان وکیل را معین خواهد کرد. وکلای عضو کانون موظف به انجام این مأموریت‌ها می‌باشند ولی باید دانست که دادگاه هرگز آنها را علیرغم میل و اراده خودشان برای این نوع وکالت‌ها انتخاب نخواهد نمود.

دادگاه در صورت محکومیت متهم ضمن صدور حکم، حق الوکاله وکیل تسخیری را نیز معین کرده و رأی به پرداخت آن وسیله محکوم علیه صادر می‌کند و این وجه بلافاصله از صندوق وجوه عمومی پرداخت می‌شود. مبلغ مذکور معمولاً همان است که خود وکیل تقاضا می‌کند و تا آنجا که میزان آن غیرمعقول نباشد با مخالفت دادگاه روبرو نمی‌شود. از طرف دیگر در صورتیکه متهم برائت حاصل کند پرداخت این نوع هزینه به عهده دولت است و فقط ممکن است با توجه به وضع مالی متهم او را به پرداخت قسمتی از مخارج مذکور محکوم نمود.

### خاتمه تحقیقات

داستان وظیفه دارد که بعد از پایان تحقیقات بلافاصله راجع به اعزام متهم به دادگاه اتخاذ تصمیم نماید. سیستم تعقیبی سوئد بر اصل «رعایت قانون» استوار شده به این معنی که تمام جرائم هنگامی که دادستان دلایل را برای تعقیب کافی بداند قابل تعقیبند. تحقیقات مقدماتی باید وسیله تصمیم دادستان پایان پذیرد و این تصمیم بخصوص موقع صدور قرار منع پیگرد باید مدلل و موجه باشد. بر اصل قدرت تعقیب دادستان چند استثناء وارد می‌شود که از آن جمله یکی اتهام مربوط به مرضای روانی و جوانان کمتر از ۱۵ سال است و دیگری جرائم کوچکی که مجازات آنها جزای نقدی خواهد بود.

### جریان قبل از دادرسی

سیستم قضایی سوئد مؤسسه هیأت منصفه بزرگ یا هیأت اتهامیه را نمیشناسد و بنحویکه در بالا گفته شد کلیه جرائم در صورت وجود دلایل کافی از طرف دادستان قابل تعقیب محسوب می‌شوند. اطلاعیه کتبی (اصطلاح ادعانامه وسیله نویسنده بکار نرفته است - مترجم) شامل شرح مختصری از جرم و ماده قانون مجازات عمومی که با آن انطباق دارد و دلایل تعقیب است. دلایلی که با تفصیل بیان می‌شود نه تنها باید حاوی شواهد قضیه بوده بلکه نظرات دادستان را نیز باید دربر بگیرد. مطالب اطلاعیه بعد از ورود بدادگاه برای مدعی علیه ارسال می‌شود تا جواب و دلایل خود را علیه آن بیان نماید. وقتیکه موعد محاکمه معین شد طرفین دعوی و شهود بدادگاه فراخوانده می‌شوند (۱۴-۴۵). جلسه داورى در صورتیکه متهم زندانی باشد ظرف یک هفته بعد از وصول اطلاعیه بدادگاه باید معین شود و در صورتیکه متهم کمتر از ۱۸ سال دارد این مدت دو هفته خواهد شد.

## دادرسی

دادگاه محلی یا شهرستان معمولاً مرکب است از يك قاضی حرفه‌ای که عنوان رئیس دادگاه را دارد و به این سمت منصوب شده است و هفت یا نه نفر افراد عادی که برای مدت شش سال وسیله انجمن شهر یا شهرستان برای انجام این وظیفه معین می‌شوند. این افراد که از معتمدین محلی هستند ماهی یکبار به عنوان عضو دادگاه در جلسه دادرسی شرکت می‌کنند. انتخاب این افراد امری سیاسی است به این معنی که انجمن‌های شهر این افراد را از میان نمایندگان احزاب سیاسی در شوراهای محلی انتخاب می‌کنند.

برای جرائم کوچک و کم‌اهمیت دادگاه با يك قاضی و سه عضو عادی تشکیل جلسه میدهد و در جرائمی که مجازات آنها تنها جزای نقدی است دادگاه می‌تواند فقط به تصدی یکنفر قاضی تشکیل شود.

در آغاز جلسه دادگاه اسم متهم یا متهمین و شهود احضار شده را می‌خوانند تا معلوم شود که کسی غایب نیست. کلیه محاکمات علنی است و استثنائات وارد بر این اصل عبارتند از محاکمه مجرمین جوان و بیماران روانی، دعاوی مربوط به باج سبیل، امنیت ملی، جرائم جنسی و اسرار بازرگانی. در محاکمه نوع اخیر می‌توان قسمتی از دادرسی را علنی و قسمتی از آن را سری اعلام نمود.

بعد از احراز هويت متهمین دادستان موضوع اتهام را مطرح کرده شرح موقوفه و ماده قابل انطباق قانون مجازات را بیان می‌کند به متهم اعلام می‌شود که خود را گناهکار میدانند یا نه. (در حدود ۷۵ درصد متهمین خود را گناهکار میدانند). سپس دادستان بیان ادعا می‌کند و نظر خود را بر نوع مجازات به صورت تقاضا عرضه می‌کند. در اکثر پرونده‌ها بعد از بیان ادعای دادستان از متهم و وکیل او خواسته می‌شود که اگر در زمینه اظهارات دادستان مطلبی دارند بگویند و اگر زیان دیده نیز در دادگاه به عنوان شاهد حاضر شده از او نیز خواسته می‌شود که بدون حشو و زوائد شرح ماجرا را بگوید و در این موقع قاضی و دادستان و وکیل مدافع می‌توانند از نامبرده سؤالاتی به عمل آورند.

قسمت بعدی محاکمه مصروف تحقیق از متهم می‌شود و دادگاه از او می‌خواهد که حتی المقدور به نحو کامل جریان را تعریف کند. چون اکثر متهمین به این کار رغبت نشان نمیدهند و تمایل طبیعی آنان بر فرار از پیچ و خمهای مشکل است برخی از قضات کار تحقیق از متهم را به دادستان محول میدارند. بعد از آن وکیل مدافع از متهم تحقیق می‌کند.

شهود موقع بیان ادعای دادستان و تحقیق از متهم حق حضور در جلسه را ندارند. قاضی محکمه شهود را يك بيك سوگند میدهد و اهمیت سوگند و خطرات شهادت کذب را به آنها می‌گوید. اقربای نزدیک متهم مکلف به ادعای شهادت نمی‌شوند. شهود را نمی‌توان وادار کرد که بگویند خود یا اقوام نزدیکشان مرتکب جنایت یا عمل خلاف شرافت شده‌اند. کسی که شاهد را احضار می‌کند حق دارد



قبل از طرف مقابل از او تحقیق کند ولی بهر حال روش قضائی سوئد مانند کشور- های گروه انگلیسی زبان در مورد تحقیق مجدد از شاهد دارای قواعد منظم و مسلمی نیست و قاضی نیز می تواند از شاهد سؤال کند و ممانعتی در زمینه شهادت غیرمستقیم یا نقل قول که در قوانین انگلوساکسن ها غیرقابل استماع است وجود ندارد. طبق قواعد حاکم در سوئد نباید از شاهد سؤالات هدایت کننده به عمل آید ولی همین مطلب نیز قاعده ای محدود و مطلق نیست. از آنجا که جز در موارد قلیلی از جرائم از قبیل افترا هیأت منصفه در محکمه شرکت نمی کند مذاکرات درگوشی قاضی و دادستان و وکیل مدافع ضرورت پیدا نمی نماید تمام مطالب با صدای بلند گفته می شود و قواعد دادرسی آنقدر اهمیت ندارد که نقض آنها موجب پژوهش شود. بعد از بررسی دلایل، موضوع زندگی متهم مطرح و سوابق کیفری او در صورتی که سابقه ای داشته باشد با صدای رسا قرائت می شود و گزارش روانشناس و مددکار اجتماعی نیز خوانده می شود و سپس دادستان و وکیل مدافع آخرین بیانات خود را ایراد می کنند. اشاره به رویه های قضائی معمول نیست زیرا سوئد قانون بدون دارد. دادستان معمولاً مجازات معینی را تقاضا می نماید.

پس از این مراتب از متهم خواسته می شود که آخرین دفاع خود را بگوید و ختم دادرسی اعلام می گردد. جلسه مشاوره سری است و حکم در جلسه علنی قرائت می شود. دادگاه می تواند صدور حکم را به روزهای بعد موکول کند ولی به هر حال قبل از پایان دو هفته حکم باید صادر شود. دادگاه روزی بیش از شش ساعت کار نمی کند لهذا آن تعداد از پرونده ها را مطرح می کنند که امکان پایان دادن آنها وجود داشته باشد. عکاسی در جلسه دادگاه و گرفتن عکس به هر صورت از جریان محاکمه ممنوع است (۵-۹).

### پژوهش

طرفین دعوی نسبت به احکام صادره دادگاهها اختیارات وسیعی برای تقدیم شکایات پژوهشی دارند. پژوهشخواهی در زمینه عدم انجام تحقیقات و مقدمات و عدم رعایت تشریفات یا شدت و ضعف کیفرها یا زمینه های قانونی دیگر به عمل می آید. مدت پژوهش از تاریخ ابلاغ حکم سه هفته است و اگر یکی از طرفین دعوی پژوهش خواسته باشد می توان به طرف مقابل یک هفته مهلت اضافی برای استیناف اعطاء نمود.

در دادخواست پژوهشی باید شواهد و دلائل جدید ذکر شود و نسخه این دادخواست نزد پژوهشخوانده فرستاده می شود و به او اجازه میدهند که ظرف دو هفته اعتراضات و ایرادات خود را کتباً تقدیم دارد.

برخی از دعاوی کوچک را می توان بدون حضور طرفین در دادگاه استیناف مورد حکم قرار داد ولی در اکثر موارد نحوه دادرسی و تشریفات محاکمه همان است

که در دادگاه بدوی تحت مطالعه درآوردیم.

تنها در مورد فرجامخواهی به دیوانعالی کشور محدودیت‌هایی در نظر گرفته شده است. در دیوان مذکور هیأتی مرکب از سه نفر وجود دارد که در اکثر موارد اجازه فرجامخواهی وسیله آنان صادر می‌گردد و درخواست‌های فرجام موقعی نزد این هیأت مطرح می‌شود که یا دعوی دارای اهمیت خاصی باشد یا شکسته شدن حکم پژوهشخواسته محتمل جلوه کند. بنابراین اجازه فرجامخواهی به اصحاب دعوی به ندرت داده می‌شود. دادستان کل دادستانی است که اجازه دارد پرونده‌های کیفری را در دیوانعالی مطرح نماید و او نیز از این اختیار چنان کم استفاده می‌کند که سالانه بیش از ۲۰ پرونده کیفری در دیوانعالی کشور مطرح نمی‌شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی